

دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم
سال ششم (۱۳۹۵)، شماره چهاردهم

یادکرد حیوانات در نهج البلاغه؛ کارکرد حقیقی و تصویر آفرینی هنری

سید حسن فاتحی^۱

مرتضی قائمی^۲

بی بی راحیل سن سبلی^۳

چکیده

یادکرد از جانداران به ویژه حیوانات، از راه‌های ایجاد حیات و حرکت در تصویر آفرینی هنری و ادبی است. از این طریق می‌توان تصاویر را از رکود خارج کرد و اثربخشی و نفوذ آن را بیشتر نمود. بر همین اساس، یکی از کارکردهای نام بردن از حیوانات در نهج البلاغه، نقشی است که این مهم در خلق تصاویر بر عهده دارد. در این نوشتار که با روشی توصیفی - تحلیلی به انجام رسیده، سی‌وسه گونه حیوان را در نهج البلاغه شناسایی کرده است. این نام‌بری دلایل متعددی داشته است؛ گاه به صورت حقیقی و از جهت خلقت و اوصاف، مأموریت داشتن، حقوق و احکام، بیان علم الهی و حشر و معاد بوده است. همچنین در برخی موارد، عناصر بیانی چون تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه مورد توجه بوده است. در نهج البلاغه، بسیاری از تصویرسازی‌ها از دنیا، فضائل و رذایل اخلاقی، گناه، تقوا، فرار از جنگ و امثال آن با استفاده از جنبه‌های مختلف حیوانات به تصویر کشیده شده است.

واژگان کلیدی: نهج البلاغه، تصویر آفرینی، حیوان، کارکرد حقیقی، کارکرد هنری.

۱. استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا (نویسنده مسئول) / Shfatehi43@gmail.com

۲. دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا / Mortezaaghaemi2@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا / rsensebli@yahoo.com

۱- مقدمه

امام علی (ع) در نهج البلاغه برای طرح مباحث سیاسی، اجتماعی، دینی و ... کلمات را در ظاهر عادی خود به کار نگرفته، بلکه با تصرف در آن‌ها و با استفاده از قدرت خیال، روحی تازه در آن‌ها دمیده است. یکی از شیوه‌هایی که ایشان برای خلق صحنه‌های زنده و جذاب بهره گرفته، تصویرپردازی با استفاده از حضور پویای حیوانات است. آن حضرت علاوه بر به‌کارگیری حیوان در معنای حقیقی، امور معنوی را به حیوان تشبیه کرده و یا برای تصویرپردازی دقیق معانی، گاه به امور معنوی و عقلی جان داده و هیئت یک حیوان درنده یا رام یا فریبنده را به آن‌ها بخشیده و یا برای افزایش تأثیر کلام خود، حیوان را در تصاویر مجازی و کنایی به کار گرفته‌اند. بنابراین امام (ع) با استفاده از امور محسوس و ایجاد ارتباط بین ذهن مخاطب و حیوانات محیط طبیعی، از سویی معانی و مفاهیم ارزشی را راحت‌تر و سریع‌تر بیان و منتقل نموده که در نتیجه درک و فهم آن امور را شتاب بخشیده و در اندیشه و ذهن مخاطب حکم نموده است و از سویی خلاقیت و قدرت خیال خویش را با تابلوهای طبیعی و ساده به نمایش گذاشته است.

درباره حیوانات در نهج البلاغه و همچنین مباحث زیبایی‌شناسی این کتاب، آثار و نوشته‌های بسیاری منتشر شده است که به مهمترین آن‌ها اشاره می‌گردد: «من معالم الأدب فی نهج البلاغه»؛ نوشته سید خلیل باستان، «سیری در زیبایی‌های نهج البلاغه»؛ اثر مرتضی قائمی، «نگاهی به حقوق حیوانات در اخلاق محیط زیست اسلام از منظر نهج البلاغه»؛ از پروانه رضایی، «یادکرد حیوانات در نهج البلاغه»؛ از محمدحسن رستمی. با توجه به این پیشینه، نوشتار حاضر از این جهت نوآوری دارد که نقش حیوانات در تصویرآفرینی‌های امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه را چه به‌صورت حقیقی و چه هنری، مورد بررسی قرار داده است.

سؤالات پژوهش این نوشته عبارتند از: چند نوع و چه تعداد حیوان در نهج البلاغه نام برده شده است؟ در چه مواردی حیوانات، کارکردی حقیقی دارند؟ در چه نوع تصاویری، حیوانات کارکرد هنری و ادبی یافته و چه نقش و تأثیری در تصویرآفرینی داشته‌اند؟ شیوه این پژوهش مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی است و کارکرد حیوانات در دو بخش حقیقی و هنری بررسی شده است و در بخش نتایج نیز به سؤالات مطرح شده پاسخ داده است.

۲- حیوان در نهج البلاغه

حیوانات در نهج البلاغه با تعابیر متعدد به صورت اسم صریح یا اسامی عام نام برده شده‌اند که به شش گروه زیر قابل تقسیم است:

۱) حیوانات اهلی	چارپایان (الأنعام، الهوام، البهائم)، شتر نر (الإبل، الجمل، الفحول)، شتر ماده (الرواحل، مفرد: راحلة، الشول، مفرد: الشائلة)، گوساله (العجال)، الاغ (الحمار)، اسب (الحیل، الفرس)، چارپایان سواری (المطایا)، شتر دوساله (اللبنون)، گوسفند (الغنم)، گوسفندان پروار (المعلوفة)، سگ (الكلب)، بز (العز، المعزى)، چارپایان صحرايي (الأنعام السائمة)، قوچ (الکبش)، بیچه شتر (الفصیل)، شتری که از آبستنی آن ده ماه گذشته است (العشار) و ...
۲) حیوانات وحشی	کفتار (الضبع)، گاو وحشی (الثور)، حیوانات درنده (الوحوش، السباع)، گورخر (الحمر)، فیل (الفیل)، گرگ (الذئب)، شیر (اللیث، الضرغام، الأسد)، خوک (الخنزیر)، شکار رمنده (الشاردة) و ...
۳) پرندگان	طاووس (الطاووس)، کبوتر (الحمام)، پرنده (الطیر)، کلاغ (الغراب)، کرکس (النسور)، خفاش (الحفاش)، خروس (الديک)، شتر مرغ (النعامه)، عقاب (العقاب).
۴) خزندگان	سوسمار (الضب)، مار (الحیة، الصل)، سم عقرب (الحمة).
۵) آبزیان	ماهی (النینان).
۶) حشرات	پشه (البعوضة)، ملخ (الجرادة)، جنبندگان زمین (الدواب)، مورچه (النمل، الذر)، مگس (الذباب)، نوعی سوسک (الوذحة)، کک (البقة)، عنکبوت (عنکبوت).

در جدول ذیل، پراکندگی اسامی حیوانات در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها بیان شده است:

<p>۱: کبوتر، چارپایان- ۳: پرنده، شتر، شتر چموش، کفتار، گله گوسفندان، بز- ۱۳: چارپا، شتر مرغ، پرنده- ۱۶: مرکب چموش- ۱۷: عنکبوت- ۳۱: گاو وحشی- ۳۹: شتر- ۵۲: کبوتر، شتر بیچه‌مرده، گوساله- ۵۳: شتر تشنه- ۵۶: شتر- ۶۹: سوسمار، کفتار- ۷۳: سگ، قوچ- ۷۶: مرکب- ۸۳: اسب چموش- ۸۵: حیوان درنده- ۸۹: شتر- ۹۱: شتر، مورچه، حیوانات وحشی، حشرات، پشه- ۹۳: شتر چموش- ۹۷: شتر، بز ماده- ۱۰۱: شتر سرمست- ۱۰۲: شتر- ۱۰۷: شتر طردشده- خ ۱۰۸: پرنده، چارپای صحرائی، حیوان درنده- ۱۱۵: چارپا- ۱۱۶: سوسک- ۱۲۳: سوسمار- ۱۲۷: گوسفند، گرگ- ۱۲۸: اسب اصیل، شتر مرغ، کرکس، فیل- ۱۳۱: بز، شیر- ۱۳۷: سم‌عقرب- ۱۴۳: چارپایان- ۱۵۱: گورخر- ۱۵۳: چارپایان، درندگان- ۱۵۵: خفاش- ۱۵۷: بیچه‌شتر- ۱۵۸: مرکب سواری- ۱۶۰: چارپا، الاغ- ۱۶۲: اسب- ۱۶۵: پرندگان، طاووس، خروس، کلاغ، مورچه، مگس، ماهی، فیل- ۱۶۷: چارپایان- ۱۷۱: حشرات، چارپایان- ۱۷۵: چارپا، گوسفند پروار- ۱۷۸: مورچه- ۱۸۲: مورچه، پشه- ۱۸۵: مورچه، ملخ، پرنده، عقاب- ۱۸۶: پشه- ۱۹۱: حیوان چموش- ۱۹۲: شتر، اسب، گاو، گوسفند، بیچه‌شتر- ۱۹۸: وحوش، ماهیان- ۲۲۴: مار، مورچه، ملخ- ۲۲۹: شتر تشنه- ۲۴۰: شتر آبکش.</p>	<p>خطبه</p>
<p>۱۰: شتر- ۲۵: چارپا، شتر، بیچه‌شتر- ۲۸: شتر- ۳۱: سگ، درنده، چارپای سرکش و چموش- ۳۹: سگ، شیر- ۴۱: بز ماده، شیر- ۴۵: شتر، حیوان درنده، گله گوسفندان، گوسفند پروار- ۴۷: سگ- ۵۱: مرکب سواری، اسب- ۵۲: بز- ۶۸: مار- ۷۱: شتر.</p>	<p>نامه</p>
<p>۱: شتر دوساله- ۲۲: شتر- ۶۰: حیوان درنده- ۸۲: شتر- ۱۱۹: مار- ۱۴۷: چرندگان- ۲۰۹: ماده شتر بدخو- ۲۳۶: خوک- ۲۶۳: شیر- ۲۶۶: شکار رمنده- ۲۸۹: شیر، مار- ۴۰۲: پرنده- ۴۱۴: چارپایان- ۴۱۹: کک- ۴۴۶: شتر- ۴۶۴: کفتار.</p>	<p>حکمت</p>

۳- حیوانات در کاربردهای حقیقی و هنری نهج البلاغه

ویژگی‌های حیوانات در نهج البلاغه، از چند منظر به کار گرفته شده است که در ادامه بدان‌ها

اشاره می‌کنیم.

۱-۳- کاربردهای حقیقی

۱-۱-۳- خلقت حیوانات و اوصاف آنان

امیرالمؤمنین علی (ع) در نهج البلاغه، در مواضع متعددی به توصیف حیواناتی از جمله خفاش،^۱ طاووس^۲ و مورچه^۳ پرداخته و در حقیقت درصدد برآمده‌اند بشر را به با شگفتی‌های جهان خلقت و قدرت لایزال خالق آشنا سازد و به تفکر در ملکوت و مالک هستی فراخواند. این خطبه‌ها غالباً مبتنی بر عنصر وصف، نگاه دقیق و تجربه شخصی هستند. برخی از افرادی که انتساب نهج البلاغه به امام علی (ع) را انکار می‌کنند، یکی از موارد شک خود را وجود اوصاف بسیار دقیق ایشان درباره حیوانات مذکور اعلام کرده‌اند؛ زیرا معتقدند دستیابی به وصف دقیق جز در دوره‌های بعد، خصوصاً در زمان عباسیان امکان نیافته است و مثلاً توصیفاتی که امام (ع) درباره بخش‌های درونی مورچه داده است، ذیل علم تشریح قرار می‌گیرد و در زمان آن حضرت، با چشم قابل رؤیت نبوده است (حوفی، ۲۰۰۵، صص ۵۶ و ۶۰).

برخی دیگر در همین راستا، بعید دانسته‌اند که امام (ع)، طاووس را از نزدیک دیده باشد؛ اما ابن‌ابی‌الحدید در شرح خود بر نهج البلاغه اعلام می‌دارد که «رؤیت طاووس توسط امام (ع)، امری بعید به نظر نمی‌رسد. زیرا کوفه، مرکز خلافت بوده و هدایای امیران و پادشاهان از اقصی نقاط حکومت اسلامی به کوفه ارسال می‌شده است» (ابن‌ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۶۹).

۱. خطبه ۱۵۵: «پس شب‌پره در روزها پلک‌ها را بر سیاهی دیده‌ها اندازد و شب را چراغی سازد که در جستجوی روزی خود از آن راه برآید...؛ و برای آن از گوشت، بال‌هایی ساخته است تا هنگام نیاز به پرواز، بدان بالا رود، بال‌هایی که چون لاله گوش از پر است، لیکن جای رگ‌ها در آن آشکارا ببینی...» (شهیدی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۴).

۲. خطبه ۱۶۵: «طاووس چون خودبینی نازنده راه می‌رود و به دم و پرهای خود می‌نگرد، او از زیبایی پوششی که بر تن دارد قهقهه سر می‌دهد و چون نگاهش به پاهای خود می‌افتد، بانگی برآورد گویی که گریان است، چه پاهای او لاغر است، و بر جایگاه یال او دسته‌ای موی سبز نگار است و آنجا که شکاف گوش اوست، خطی باریک است» (همان، ص ۱۷۰).

۳. خطبه ۱۸۵: «به مورچه و خردی جثه آن و لطافتش در بیرون و نهان بنگرید، چنان است که به گوشه چشم نتوان دید، چگونه بر زمین جنبد و دانه را به لانه خود برد. اگر در آنچه درون اوست از غضروف‌های آویخته به دنده تا شکم و آنچه در سر اوست از چشم و گوش بنگری، از آفرینش او جز شگفتی نتوانی» (همان، ص ۱۹۸).

۳-۱-۲- مأموریت الهی حیوانات

امام (ع) در خطبه ۱۱۶، در پیشگویی‌های غیبی خود از آینده از فردی با کنیه «أبا وَذَحَه» که بر مردم مسلط خواهد شد؛ یاد کرده‌اند: «آگاه باشید! به خدا سوگند! پسری از طایفه ثقیف [حجاج بن یوسف ثقیفی] بر شما مسلط می‌گردد که هوسباز و گردنکش و ستمگر است. سبزه-زارها (اموال) شما را می‌چرد و چربی شما را آب می‌کند. أبو وَذَحِه، بس کن!» (دشتی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۹). «وَذَحِه» به گفته بسیاری از اربابان لغت، به معنی سوسک است. در مورد انتخاب کنیه «أبا وَذَحِه» برای حجاج بن یوسف ثقیفی، داستان‌های مختلفی در شروح نهج البلاغه آمده است از جمله آنکه «روزی حجاج، وذحه را در محل نماز خود دید و آن را از خود دور کرد. در بار سوم که به سوی او آمد، حجاج با دست خود آن را گرفت و سوسک او را گزید و دست او ورم کرد و سرانجام همین ورم، باعث مرگ او شد. گویی خداوند می‌خواهد قدرت خویش را برای وی به نمایش بگذارد که او را با پست‌ترین مخلوقاتش نابود کرد؛ آن‌گونه که نمرود را به وسیله پشه‌ای که بر بینی او وارد شد، هلاک نمود» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۱).

همچنین امام (ع) در بخشی از خطبه ۱۸۵ درباره حشره‌ای سخن می‌گوید که از مأموران عذاب الهی است، حشره‌ای که می‌تواند لشکری فراهم آورد و به باغ‌ها و مزارع، چنان حمله‌ور شود که هیچ لشکری یارای مقابله با آن را ندارد و بدین ترتیب خداوند قدرت‌نمایی خود را در تمام جهات آشکار سازد. حضرت به خطرات عظیم ملخ که به ظاهر ضعیف است، پرداخته و می‌فرماید: «اگر خواهی از ملخ بگویم که دو دیده سرخ برای آن آفرید و دو حدقه چون ماه تابان برایش افروخت و او را گوشی پنهان داد و دو دندان پیشین که بدان‌ها بُرُرد و دو پای داس‌مانند که بدان‌ها چیزی را بگیرد. کشاورزان در کشت خود از آن می‌ترسند و توانایی راندنش را ندارند» (شهیدی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۹).

۳-۱-۳- حقوق حیوانات و مسئولیت انسان در برابر آن

حضرت علی (ع) در نامه ۲۵ خطاب به یکی از مسئولان جمع‌آوری زکات، ضمن تأکید بر رعایت حقوق انسان‌ها، به بیان چگونگی رعایت حقوق حیوانات پرداختند:

الف: مسئول زکات نباید مانند اشخاص سلطه‌گر و سخت‌گیر وارد شود و اینگونه حیوانی را رَم دهد و هراسان سازد و دامدار را برنجانند؛

ب: آن مسئول باید حیوانات را به دست چوپانی خیرخواه و مهربان و امین - که نه سخت‌گیر باشد و نه ستمکار، نه تند براند و نه حیوانات را خسته کند - بسپارد؛

ج: از جدایی افکندن میان حیوانات و نوزادشان بپرهیزد؛
د: در سوار شدن بر شترانی که به‌عنوان مَرکب استفاده می‌شوند، عدالت را رعایت کند؛
ه: هرگاه حیوانات به آب و علف‌زار رسیدند، چوپان فرصت دهد تا آب و علف بخورند؛
و: آن مسئول از انتخاب حیوانات بیمار و پاشکسته و پیر به‌عنوان زکات خودداری کند؛ زیرا
این کار در مواردی که مستلزم طی راه‌های طولانی است، موجب اذیت حیوانات در راه خواهد
شد (دشتی، ۱۳۸۸، ص ۳۶۱).

بنابراین با دقت و تدبیر در این نامه، می‌توان دریافت که مسأله رعایت و حمایت از حقوق
حیوانات امری نوظهور و متعلق به سده‌های اخیر نیست؛ بلکه از جمله دستورات دین اسلام
است که در کنار توصیه به رعایت حق و حقوق انسان‌ها، مراعات حق حیوانات نیز لازم شمرده
شده است.

۳-۱-۴- احکام ذبح حیوانات

خداوند برای حیوانات، احکام و دستورات شرعی خاصی قرار داده است. از جمله این احکام،
ویژگی‌های حیوانی است که ذبح می‌شوند. در همین باره، حضرت علی (ع) در خطبه ۵۳
می‌فرماید: «قربانی آنگاه کامل و تمام است که گوش آن را نیک بنگرند تا بریده و شکافته نباشد
و چشم آن نیز درست باشد. اگر گوش و چشم سالم بود، قربانی کامل است، هرچند شاخوش
شکسته و پایش لنگ باشد» (شهیدی، ۱۳۸۹، ص ۴۵).

۳-۱-۵- بیان حشر و معاد

در خطبه ۱۸۶، امام (ع) با مثل زدن به آفرینش حیوان کوچکی چون پشه، اعلام تحدی
می‌دارد که: «اگر همه جانداران جهان از هر جنس و ریشه و نادانان از مردمان و زیرکان فراهم
آیند تا پشه‌ای را پدید آورند، بر آفریدن آن توانا نیستند و خرد‌هاشان سرگشته شود و در شناخت
آن سرگردان مانند» (همان، ص ۲۰۲).

۳-۱-۶- بیان علم الهی

از دیگر کاربردهای حقیقی حیوان در نهج‌البلاغه، اشاره به وسعت علم الهی است. امام (ع)
در خطبه ۹۱ می‌فرماید: «خداوند؛ دانای درون راز در دل نهفتگان و درون لانه‌های تابستانی
مورچگان که در زمستان، مکان خزندگان است و جایی که پشه‌ها در ساق و پوست درخت‌ها،

پنهان‌اند، است» (همان، ص ۸۳). همچنین در خطبه ۱۷۸ آمده است: «و از علم او، شمار قطره‌های باران، پنهان نیست و نه موری که بر سنگی صاف پای گذارد و نه استراحتگاه مورچه‌ای در شبی تاریک و سیاه» (همان، ص ۱۸۶).

۲-۳- کاربردهای هنری حیوان در تصویر آفرینی

تصویر در لغت به معنای «نقاشی، به تصویر کشیدن اشخاص و اشیاء» (معلوف، ۱۳۸۰، ص ۴۱۲) و به معنای «صورتگری، ترسیم، نقاشی، مصورسازی و تزئین» (آذرنوش، ۱۳۸۲، ص ۳۷۵) آمده است. تصویر «همان چیزی است که با صورتی محسوس و قابل تخیل، معنی ذهنی و حالت روحی را بیان می‌کند» (سید قطب، ۲۰۰۲، ص ۳۶). بعضی دیگر گفته‌اند تصویر، مجموعه امکانات بیان هنری است که زمینه اصلی آن را انواع تشبیه، استعاره، کنایه، اسناد مجازی و رمزگونه و گونه‌های مختلف ارائه تصویر ذهنی می‌سازد (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳، ص ۱۵). هرچند که گاهی عبارتی دل‌نشین اما خالی از انواع مجاز، تشبیه و اغراق می‌تواند تصویری جذاب تشکیل دهد، بدین معنا که مفهوم تصویر، از خیال گسترده‌تر است و لزوماً بر مجاز صور خیال تکیه ندارد (قائم‌ی، ۱۳۸۸، ص ۵۸).

یکی از شیوه‌های بدیع امام (ع)، ترسیم زنده و زیبای معانی ارزشمند با استفاده از حیوان و خصلت‌های طبیعی و شناخته‌شده حیوانات است. این شیوه، نوع دیگری از بیان و تعبیر است که باعث نزدیکی هر چه بیشتر مفاهیم به ذهن مخاطب می‌گردد و بدون شک، تصاویر برگرفته از طبیعت و موجودات زنده از جمله حیوانات، پویایی مضاعفی خواهند داشت، زیرا حیوانات به‌خودی خود دلالت بر حرکت دارند. از سویی امام (ع) نیز با به‌کارگیری درست و سنجیده قالب‌های تصویرسازی بیانی از جمله تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه، پویایی این تصاویر را دوچندان نموده‌اند که این امر خود نشان از پویایی جهان درون امام (ع) نیز دارد.

۱-۲-۳- تصاویر تشبیهی

تشبیه در لغت به معنای «شبیه گردانیدن و همانند کردن» (معلوف، ۱۳۸۰، ص ۳۷۳) و در اصطلاح نشان دادن اشتراک چیزی با چیز دیگر در یک معناست؛ مشروط به آنکه این همانندی، به صورت استعاره تحقیقیه و استعاره بالکنایه نباشد (تفتازانی، بی‌تا، ص ۱۳۲). قدامة بن جعفر در کتاب «نقد الشعر»، تشبیه را امری می‌داند که بین دو چیزی رخ می‌دهد که در معنایی با یکدیگر اشتراک و در اموری با یکدیگر افتراق دارند و بهترین تشبیه آن است که بین دو چیزی باشد که

اشتراکات آن دو بیشتر از افتراقات آن دو باشد تا جایی که به نقطه اتحاد برسند (قدامة بن جعفر، بی تا، ص ۳۷) و ابن رشیق قیروانی تشبیه را عاملی می داند که امور پیچیده و غامض را به امور واضح و روشن و امر بعید را به امر نزدیک و قابل رؤیت تبدیل می سازد (قیروانی، بی تا، ص ۱۷۴). تشبیه‌هایی که در نهج البلاغه با حیوانات خلق شده‌اند، بسیار جذاب و نغز هستند. امام (ع) با تشبیه گناه به مرکبی چموش، تقوا به مرکبی راهوار، دنیا به ماری فریبنده، تشبیه فرار سپاهیان از جنگ به فرار سوسمارها و ... توانسته‌اند بر این امور، لباس محسوسات بپوشانند و تابلویی بدیع در مقابل دیدگان مخاطب قرار دهند. هدف از حضور حیوانات در تصاویر تشبیهی در اغلب موارد، تبدیل نمودن امور معنوی و عقلی به امور محسوس و در دسترس قرار دادن آن‌ها در معرض احساس مخاطب است؛ به گونه‌ای که گویی شنونده با گوش خویش می‌شنود و بیننده با چشم خویش می‌بیند. در اغلب تشبیه‌ها، حیوانات مشبه به واقع شده و امور حسی و عقلی به حیوان تشبیه شده‌اند و وجه شبه، ویژگی خاصی است که آن حیوان برخوردار از آن بوده یا به آن شهرت یافته است. در میان روش‌های تشبیه، تشبیه بلیغ و تشبیهی که با استفاده از مصدر (مفعول مطلق) شکل گرفته، فراوانی بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند.

۳-۲-۱-۱- تشبیه جمعیت فراوان به یال کفتار و انبوه گوسفندان

امام (ع) در خطبه سوم در توصیف صحنه‌ای که کوفیان بعد از کشته شدن عثمان، اطراف خانه حضرت گرد آمده و دست بیعت به سوی ایشان دراز کرده بودند، آنان را از لحاظ کثرت، به موهای پرپشت کفتار و گله گوسفند تشبیه نمودند: «روز بیعت، فراوانی مردم چون یال‌های پرپشت کفتار بود، از هر طرف مرا احاطه کردند ... مردم چون گله‌های انبوه گوسفندان مرا در میان گرفتند»؛ علت تشبیه جمعیت مردم به موهای کفتار بدین سبب است که «کفتار حیوانی است که فراوانی پشم گردن او ضرب‌المثل بوده و اگر می‌خواستند فراوانی چیزی را بگویند، آن را با موهای کفتار مطرح می‌کردند» (دشتی، ۱۳۸۸، ص ۳۱).

۳-۲-۱-۲- تشبیه فریبندگی دنیا به مار سمی

دنیا یکی از موضوعاتی است که امیرالمؤمنین (ع)، با دقت و ظرافت خاصی به آن پرداخته است. ایشان در تصاویر گوناگونی، انسان را از دنیاطلبی و فریفته شدن به مظاهر فریبنده دنیا بر حذر می‌دارد و انسان را با چهره واقعی دنیا که همچون ماری با پوست نرم، ولی سمی کشنده

در درون است، آشنا می‌کند. امام (ع) در نامه ۶۸ می‌فرماید: «دنيا چون مار سَمّی است، پوست آن نرم، ولی سَمّ کشنده در درون دارد» (همان، ص ۴۳۳).

۳-۲-۱-۳- تشبیه تقوا و گناه به مرکب راهوار و افسارگسیخته

امام (ع) در خطبه ۱۶، در عملی ابتکاری، برای مجسم ساختن مفاهیم گناه و تقوا، گناهان را به مرکب‌هایی چموش و سرکش و تقوا را به مرکبی راهوار تشبیه نموده است: «هان ای مردم! خطاکاری‌ها چون اسب‌های بدرفتارند و خطاکاران بر آن سوار، عنان گشاده می‌تازند تا سوار خود را در آتش اندازند. هان ای مردم! پرهیزگاری چون مرکب‌هایی رام است. سواران بر آن‌ها عنان به دست و آرام می‌رانند تا سواران خود را به بهشت در آرند» (شهیدی، ۱۳۸۹، ص ۱۷) و در نامه ۳۱ خطاب به فرزندشان، امام حسن (ع) می‌فرماید: «که مبدا برخی خواهش‌های نفسانی بر تو غالب گردد، یا فریبندگی‌های دنیا تو را بفریبد؛ پس همچون شتری گریزان و نا به فرمان باشی» (همان، ص ۲۹۷). در این بند امام علی (ع) به امام حسن (ع) و تمام جوانان عالم هشدار می‌دهد که مبدا خواهش‌ها و دگرگونی‌های دنیا به آنان هجوم آورند و پذیرش و اطاعت خداوند مشکل گردد که در غیر این صورت همچون شتری گریزان و چموش خواهند بود.

ایشان با این تشبیه‌ها ضمن در دسترس قرار دادن مفاهیم عقلی، باعث نفوذ این مفاهیم در ذهن و جان خواننده و مخاطب شده و او را به تفکر وامی‌دارد. خلاقیت به کار رفته در این تشبیه‌ها برای شنونده تکراری نبوده و تازگی نوع بیان، توجه او را به خود جلب کرده و باعث می‌شود مقدمات و شرایط انتقال پیام، راحت‌تر و در عین حال، سریع‌تر صورت گیرد.

۳-۲-۱-۴- تشبیه زبان به حیوانی درنده‌خو

امام (ع) در حکمت ۶۰، از حیوان درنده‌خویی سخن می‌گوید که حمله می‌کند و می‌گزد؛ «زبان، درنده‌ای است، اگر واگذارندش بگزد» (شهیدی، ۱۳۸۹، ص ۳۷۰). در این سخن کوتاه، زبان به حیوانی که حمله نموده و گاز می‌گیرد، همانند شده است. با تأمل در این معنی، تصویری حسی را مجسم می‌کنیم: حیوان درنده‌ای که باید مهار شود تا نتواند آسیب برساند؛ پس زبان نیز باید افسار داشته باشد و گرنه باعث گرفتاری‌های فراوان خواهد شد (حسینی، ۱۳۹۰، ص ۱۴).

۳-۲-۱-۵- تشبیه سستی و انحراف به شتران بی ساربان

امام علی (ع) در خطبه ۳۹، در توییح مردم سست‌عنصر کوفه به سبب سرباز زدن از جهاد در راه خدا می‌فرماید: «شما را به یاری برادرانتان می‌خوانم، مانند شتری که از درد بنالد، ناله و فریاد سر می‌دهید و یا مانند حیوانی که پشت آن زخمی باشد، حرکتی نمی‌کنید» (دشتی، ۱۳۸۸، ص ۶۵).

در خطبه ۳۴ می‌فرماید: «به شتران بی‌ساربان می‌مانید که هرگاه از یک طرف جمع‌آوری گردید، از سوی دیگر پراکنده می‌شوید» (همان، ص ۵۹). در این تصاویر، حضرت اهالی کوفه را توییح کرده و علت سقوط کوفه و کوفیان را سرکشی از دستورات و رهنمودهای ایشان می‌داند. امام (ع) آنان را فرامی‌خواند و به یاری می‌طلبد، اما اثری در آنها نمی‌گذارد. آنان خود را همچون شتر و حیوانی ضعیف می‌نمایانند تا بتوانند از دستورات شانه خالی کنند.

باید افزود گرچه هر یک از این تصاویر در خطبه‌های گوناگون خلق شده‌اند اما تک‌تک آنها، منتقل‌کننده یک معنا و عاطفه هستند. ارائه یک معنا و مفهوم در اشکال و تصاویر گوناگون و از زوایای مختلف، روح و حیات تازه‌ای به کلام امام (ع) بخشیده و مانع یکنواختی متن نهج‌البلاغه گشته و در نتیجه باعث شده است که آن معنا بهتر در جان و دل مخاطب بنشیند و در حکمت ۴۷۲ که دعای امام (ع) در طلب باران است آمده‌است: «خدایا ما را با ابرهای رام سیراب کن، نه ابرهای سرکش» (همان، ص ۵۳۱) که ابرهای بدون باد و رعد و برق، به شتران رام و فرمان‌بردار تشبیه شده است.

۳-۲-۱-۶- تشبیه انسان‌های بی‌ثبات و تکرر به پشه و گوسفند

حکمت ۱۴۷: تشبیه انسان‌های بی‌ثبات به پشه‌هایی که با وزش باد، به سویی می‌خیزند: «مردم سه دسته‌اند: ... و گروهی مثل پشه‌هایی که دست‌خوش طوفان و باد هستند و همیشه سرگردانند که به دنبال هر سروصدایی می‌روند و با وزش هر باد حرکت می‌کنند» (همان، ص ۴۷۱).

خطبه ۱۲۷: تشبیه انسان تکرر به گوسفندی جداشده از گله که طعمه گرگ می‌شود: «از پراکندگی بپرهیزید که انسان تنها، بهره شیطان است آن‌گونه که گوسفند تنها، طعمه گرگ خواهد بود» (همان، ص ۱۷۱).

۳-۲-۱-۷- تشبیه مدعیان قضاوت به عنکبوت

خطبه ۱۷: تشبیه مدعیان دروغین قضاوت که نمی‌دانند آیا درست عمل کرده‌اند و یا به خطا رفته‌اند، به عنکبوتی که بر تارهای خود چسبیده است: «عنکبوتی را می‌ماند که در شبها و بافته‌های تار خود چسبیده، نمی‌داند که درست حکم کرده یا بر خطاست» (دشتی، ۱۳۸۸، ص ۴۱).

۳-۲-۲- استعاره

استعاره در لغت، مصدر باب استفعال و به معنای «عاریت خواستن» است و در اصطلاح، عبارت است از کاربرد لفظ در غیر معنایی که برای آن وضع شده است با رابطه مشابهت بین معنای اصلی و معنای مجازی. البته با قرینه‌ای که ذهن را از معنای اصلی بازمی‌دارد و به سوی معنای دیگر (مجازی) می‌کشاند (هاشمی، ۱۹۹۹، ص ۲۵۸). اسباب بلاغت استعاره ناشی از آن است که به ادیب در خلق عالمی نو، به گونه‌ای که برای مخاطب تازگی و جذابیت داشته باشد، یاری می‌رساند؛ دربردارنده نوعی ایجاز است و بین اشیاء متغیر و ناپیوسته، ارتباط ایجاد می‌کند و در نتیجه، باعث ایجاد پویایی و تحرک فوق‌العاده در کلام می‌گردد (قائمی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۱). بنابراین استعاره ذاتاً موجب پویایی و تحرک تصاویر می‌گردد و حضور حیوانات در استعاره، تحرک و زنده بودن را مضاعف می‌سازد. امیر بیان، با در پیش گرفتن خلق تصاویر استعاری با استفاده از حیوانات توانسته است مفاهیم انتزاعی و محسوس را در تابلوهایی بدیع و نو به تصویر کشیده و مخاطب را به عالم بلاغت رهنمون شود، عالمی که فرد نیازی به تلاش عقلی ندارد؛ زیرا هدف از خلق چنین تصاویری در دسترس حس قرار دادن امور انتزاعی است. ایشان غالباً در تصاویر استعاری خود از اموری چون دنیا، خلافت، فتنه، شیطان و اسلام، از حیوانات بهره برده است. حال به چند تابلوی خلق شده استعاری در نهج‌البلاغه می‌پردازیم.

۳-۲-۲-۱- منصب خلافت: شتر

امام علی (ع)، در خطبه ۳، عدم تمایل خویش به امر خلافت را با یک استعاره زیبا به تصویر کشیده است. در این تصویر، آن حضرت خلافت را به ناقه‌ای تشبیه کرده و آنگاه مشبه (ناقه) را حذف و به یکی از لوازم آن یعنی (حبل) افسار، اشاره می‌کند: «سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور بیعت‌کنندگان نبود، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته و رهایش می‌ساختم» (دشتی، ۱۳۸۸، ص ۳۱).

۳-۲-۲-۲-فتنه: حیوانی چموش و وحشی

امام (ع) در هشدار از گرفتار شدن به فتنه‌های ویرانگر، چیرگی فتنه بر انسان را این‌گونه به تصویر می‌کشد: خطبه ۲: «و بیرق او را برافراشتند، درحالی‌که فتنه چون شتری مست آنان را لگدمال کرده و بر دست و پا ایستاده، از پایشان درمی‌آورد» (شهیدی، ۱۳۸۹، ص ۸) و خطبه ۱۰۲: «فتنه‌هایی چون تاریکی شب، نه نیرویی تواند با آن بستیزد و نه شکست خورد و بگریزد - چون شتر - مهار کرده و پالان‌نهاد، روی به شما آورد» (همان، ص ۹۴). و خطبه ۱۸۹: «مردم! از من بپرسید پیش از آنکه مرا نیابید، پیش از آن‌که فتنه‌ای پدید شود که همچون شتر بی‌صاحب گام بردارد و مهار خود پایمال کند» (همان، ص ۲۰۶). در این تصاویر، فتنه به حیوانی چموش و سرمست تشبیه شده است و لوازمی چون «أظلاف (سُم)، سَنَابِک (کناره سُم چارپایان)، مَزْمُومَة (افسار بسته شده)، مَرْحُولَة (جهاز بر پشت نهاده) و خِطَام (افساری است در بینی شتر، جهت مهارکردن آن)» که اشاره‌گر به مشبه‌به (حیوان) است، ذکر گردیده است.

۳-۲-۲-۳-مردان شیطان: پرندگان شوم

امام (ع) در توصیف پیروان شیطان در خطبه ۷ می‌فرماید: «منحرفان، شیطان را معیار کار خود گرفتند و شیطان نیز آن‌ها را دام خود قرار داد و در دل‌های آنان تخم گذارد و جوجه‌های خود را در دامانشان پرورش داد» (دشتی، ۱۳۸۸، ص ۳۵). نیز به پرنده‌ای که تخم می‌گذارد و جوجه‌هایش را پرورش می‌دهد، تشبیه شده است؛ آنگاه به دو ویژگی و لوازم مشبه‌به، یعنی باض (تخم نهادن) و فَرَّخ (جوجه گذاشتن) اشاره شده است. در این خطبه، امام (ع)، قلب منحرفان و شیطان‌پرستان را محلی می‌داند که شیطان توانسته است در آن نفوذ کند و چون محل مناسبی بوده، توانسته در آن اقامت گزیده و افکار خود را بسط و گسترش دهد؛ مانند پرنده‌ای که اگر محل مناسبی بیابد، خانه ساخته و تخم می‌گذارد و تا تولد جوجه‌هایش در آنجا ماندگار است.

۳-۲-۲-۴-پینه ناشی از عبادت: زانوی بز

حضرت پس از مذمت شدید یاران خود در کوتاهی و سستی از اطاعت ایشان، به تمجید یاران پیامبر (ص)، پرداخته و از خلوص و خداترسی و عبادات طاقت‌فرسای آنان یاد کرده و در خطبه ۹۷ فرموده است: «از طولانی شدن سجود، میان دو چشمشان، چون زانوی بز پینه بسته بود» (شهیدی، ۱۳۸۹، ص ۹۰). صبحی صالح در شرح خود بر نهج‌البلاغه، پس از بیان معنای واژه «رُكْب» که محل اتصال ساق پا به ران است می‌گوید: «امام (ع) پیشانی اصحاب پیامبر را به

دلیل خشکی [فراوان]، اضطراب و لرزش زیاد آن، به زانوی بز تشبیه کرده است» (صالح، ۲۰۰۴، ص ۶۰۹). در این تصویر استعاری؛ «رُكْبَ الْمَعْرَى» استعاره از شدت خشکی و پینه بستن است.

۳-۲-۲-۵- دنیای ظاهرنا و اغواگر: شتر و اسب چموش

بعضی از فرمایشات امام (ع) در مقام هشدار به بندگان خدا، نسبت به دنیای فریبنده و زودگذر بوده و بر گریز از دنیا و عدم دل‌بستگی به آن تأکید می‌کند که در خطبه‌های ذیل آمده است. در خطبه ۸۳ معروف به خطبه «غراء» چنین آمده است: «چه دنیا آبشخوری تیره و تار است. برون‌سوی آن فریبنده و درون‌سوی آن گُشنده - روی خوش نماید - تا آنکه از وی گریزان است، بدو اُنس گیرد و آنکه ناآشنای اوست، آرامش پذیرد. ناگاه به چهار دست و پای برخیزد» (شهیدی، ۱۳۸۹، ص ۶۰). در خطبه ۱۰۵، از این عبارات استفاده شده است: «پس دنیا برای شما شیرین نبود و دوشیدن پستان آن، آسان نمی‌نمود؛ تا آنکه آن را شتری دیدید، مهارش گسسته و جنبان و از لاغری، میان‌بندش لرزان» (همان، ص ۹۷) و در خطبه ۱۶۰: «برای تو بسنده است رسول خدا (ص) را مقتدا و راهنمای شناخت بدی و عیب‌های دنیا گردانی، از شیر آن نخورد و از زیورهایش بهره نبرد» (همان، ص ۱۶۱). در این تصاویر استعاری، دنیا به حیواناتی مانند اسب چموش و شتر، تشبیه شده است اما به‌جای ذکر مشبه‌به، صفات و اجزاء مشبه‌به از جمله قَمَصْ، أَرْجُل (پاها)، رِضَاع (دوشیدن)، خِطَامٌ و وَضِین (افسار) ذکر گشته است. این تصاویر استعاری موجب تجسم مفهوم دنیا، انگیزش و اقتناع خواننده و از سویی موجب جذابیت و اثرگذاری بیشتر شده است.

۳-۲-۲-۶- ویژگی‌های آخرالزمان: شتر درمانده

امیرالمؤمنین (ع) در توصیف اوضاع اسلام در عصر امام زمان (ع) در خطبه ۱۸۲ فرمودند: «او پنهان خواهد شد در آن هنگام که اسلام غروب می‌کند و چونان شتری در راه مانده دُم خود را به حرکت درآورده، گردن به زمین می‌چسباند» (دشتی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۹). در این تصویر، با ذکر لوازم مشبه‌به مانند الذَّنْب (دُم) و جِرَان (قسمت جلوی گردن شتر)، غروب اسلام که امری معنوی است، به شتری تشبیه شده است که تسلیم فرمان شده و بر زمین می‌نشیند و گردن بر

۱. اسب دو دوست خود را بلند نموده و بر روی دو پای خود بلند شده و بایستد و سوار را بر زمین بیندازد.

۲. افساری که برای مهار در بینی شتر کنند.

زمین می‌نهد. این تصویر برای عرب دوره امام (ع)، تصویری واقعی و عینی است و امام (ع) توانسته است با ارائه چنین تصویری، این مفهوم را به راحتی در ذهن مخاطب مجسم سازند.

۳-۲-۳- مجاز

«مجاز، بر وزن مَفْعَل از جاز یجوز، مصدر میمی به معنی گذشتن از جایی و یا اسم مکان به معنی راه و گذرگاه است و در اصطلاح علمای بلاغت، عبارت است از هر کلمه‌ای که از آن مفهوم و معنایی که وضع‌کننده آن کلمه، در نظر داشته است، اراده نشود. به تعبیری دیگر مجاز، لفظی است که در غیر معنایی که در اصطلاح زبان محاوره برای آن وضع شده است، به کار رود» (تفتازانی، بی تا، ص ۲۱۸). تصویر مجازی خلق شده با حیوانات، در نهج البلاغه تنها در سُم شتر، اسب و گاو به کار گرفته شده است.

خطبه ۱۹۲: «ثُمَّ وَضَعَهُ بِأَوْعَرَ بَقَاعِ الْأَرْضِ حَجْرًا وَأَقْلُّ نَتَائِقِ الدُّنْيَا مَدْرًا؛ لَا يَزُكُّ بِهَا خُفٌّ وَلَا حَافِرٌ وَلَا ظِلْفٌ...» (همان، ص ۲۹۲). «پس آن خانه را در سنگلاخی قرار نهاد، از همه سنگستان های زمین دشوارتر و ریگزارى که رویش آن از همه کمتر؛ که شتر در آن فربه نشود و اسب و گاو و گوسفند، علف نیابد» (شهیدی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۶). «خُفٌّ در اصل به معنای کفش و در اینجا مجاز از سُم شتر و حافر به معنای حفرکننده و در اینجا به معنای سُم اسب و ظِلْف به معنای سم‌های شکافدار و در اینجا به معنای سُم گاو و گوسفند است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ص ۴۲۲)؛ خُفٌّ، حافر و ظِلْف در زبان عربی مجازاً به سُم اسب، گاو و گوسفند اطلاق می‌شود؛ بنابراین ذکر این اجزا و قصد نمودن صاحبان این اجزاء، تصویری مجازی با علاقه ذکر جزء و اراده کل، خلق نموده است.

۳-۲-۴- کنایه

کنایه در لغت به معنای پوشیده سخن گفتن است و در اصطلاح، لفظی را گویند که از آن، لازم معنایش اراده شده است و اراده معنای اصلی نیز همراه اراده معنای لازم آن، جایز است (تفتازانی، بی تا، ص ۱۸۲). اسباب بلاغت کنایه عبارت‌اند از: ۱) «معانی را برای انسان به صورت محسوس درآورده تا اعجاب شنونده را برانگیزد، چه آنکه ایجاد انفعال و اعجاب از عهده زبان معمولی ساخته نیست، بلکه نیاز به زبان خاص دارد. ۲) بسیاری از معانی اگر با منطوق عادی گفتار ادا شود، لذت‌بخش نبوده و گاه زشت می‌نماید، از رهگذر کنایه می‌توان آن معانی را با اسلوبی دلکش و مؤثر بیان کرد. ۳) همچنین در اسلوب کنایی، مبالغه‌ای است که در نفس لفظ

چنین مبالغه‌ای وجود ندارد. ۴) کنایه، از حقیقت و تصریح، بلیغ‌تر است یعنی مبالغه و تأکید آن بیشتر است. وجه ابلغیت کنایه بر تصریح، آن است که کنایه ادعای چیزی به همراه برهان آن ادعا است» (رضایی، ۱۳۷۸، صص ۱۰۱-۱۰۵). اینک چند مورد از تصاویر کنایی در نهج‌البلاغه که با حیوانات خلق شده است ذکر می‌گردد.

۳-۲-۴-۱- پرنده سبک‌بال: رفعت مقام

خطبه ۳: «کوه بلند را مانم که سیلاب از ستیغ من ریزان است و مرغ از پریدن به قله‌ام گریزان» (شهیدی، ۱۳۸۹، ص ۹). در این جملات، امام علی (ع)، خود را به کوهی تشبیه کرده است که آب بسیاری از درون آن جاری می‌شود و این کوه بسیار رفیع است تا جایی که پرندگان یارای رسیدن به قله آن را ندارند. «کوه» کنایه از رتبه رفیع امام (ع) نزد خداوند و یا اشاره‌ای به مقام علم و معرفت ایشان نسبت به امور دنیوی و اخروی است، مقامی که حتی مرغان سبک‌بال و تیزرو نیز نمی‌توانند به قله رفعت آن دست یازند.

۳-۲-۴-۲- آب بینی بزغاله، دهان ملخ و استخوان خوک: اموری بی‌ارزش

امام (ع) علاوه بر استفاده از تشبیه و استعاره در توصیف دنیا، از تصاویر کنایی نیز بهره گرفته است. همانند خطبه ۳: «آنگاه می‌دیدید که دنیای شما نزد من از آب بینی بزغاله‌ای بی‌ارزش‌تر است» (دشتی، ۱۳۸۸، ص ۳۱)؛ خطبه ۲۲۴: «همانا دنیای شما نزد من از برگی جویده شده در دهان ملخی بی‌ارزش‌تر است» (همان، ص ۳۲۹) و حکمت ۲۳۶: «به خدا سوگند! این دنیای شما در دیده من از استخوان خوکی که در دست بیماری جذامی باشد، پست‌تر است» (همان، ص ۴۸۵). در این تصاویر، دنیا مشبّه است و به چیزهای پستی همچون عطسه ماده بز، برگ جویده شده در دهان ملخ و استخوان خوک تشبیه شده است؛ اما با کمی تأمل می‌توان دریافت که در پس این تشبیهات، معنایی کنایی نهفته است که بیانگر مقاومت ستودنی امام (ع) در برابر زرق و برق دنیا و خلافت است. قابل توجه است که فراوانی کمیت تصاویر خلق شده در نهی دنیا، بیانگر توجه بسیار امام (ع) به این امر و نشانگر خیال پویا و خلاق ایشان است. هدف حضرت آن است که دنیا را از زوایای مختلف ترسیم کند تا تصویری روشن و واضح در ذهن مخاطب شکل گیرد؛ همان‌طور که قبلاً اشاره شد، علاقه به دنیا و وابستگی به آن امری انتزاعی بوده اما با این روش یعنی حضور حیوانات، به امری ملموس تبدیل شده است.

۳-۲-۴-۳- مار زهراگین: وضعیت عرب قبل از اسلام

خطبه ۲۶: «آن هنگام شما ای مردم عرب! بدترین آیین را برگزیده و در بدترین سرای خزیده بودید. منزلگاهتان سنگستان‌های ناهموار، همنشینتان مارهای زهردار» (شهیدی، ۱۳۸۹، ص ۲۶). در این خطبه، واژه «مار» در معنای غیرحقیقی به کار رفته است و امام (ع) به عصر جاهلی و مردمانش و محیط سخت و خشن بیابان‌ها و سرزمین عربستان گوشه چشمی می‌اندازد؛ زیرا شبه‌جزیره، دارای زمین‌های سخت و خشک بسیاری بوده و انواع مارها و افعی‌ها به دلیل طبیعت خشکش به وفور وجود دارد.

۳-۲-۴-۳- ارتباط بچه شتر با مادرش: همراهی مداوم

امام (ع) در خطبه ۱۹۲ به سال‌های کودکی خویش اشاره کرده و همراهی همیشگی خود با پیامبر (ص) و پرورش یافتن در آغوش رسول خدا (ص) را متذکر شده است: «و من در پی او بودم، چنانکه شتر بچه در پی مادر» (همان، ص ۲۲۲). این عبارت که به صورت ضرب‌المثل نیز رواج یافته، کنایه از مصاحبت همیشگی امام (ع) با پیامبر (ص) است.

۳-۲-۴-۳- بچه شتر دو ساله: رستن از فتنه‌ها

امام (ع) در حکمت اول درباره روش برخورد با فتنه‌ها می‌فرماید: «هنگام فتنه چون شتر دوساله باش؛ نه پُستی تا سوارش شوند و نه پستانی تا شیرش را بدوشند» (همان، ص ۳۶۱). در فتنه‌ها چون بچه شتر دوساله بودن، کنایه از آن است که در فتنه‌ها به گونه‌ای رفتار کن که بر تو طمع نکرده و سوءاستفاده نکنند.

«ابن لبون» به بچه شتر نری گفته می‌شود که دو سال آن کامل شده و وارد سال سوم عمر خود شده باشد؛ سبب نام‌گذاری چنین است که در این هنگام مادر این بچه شتر، دارای بچه شتر دیگری است و به آن شیر می‌دهد. از آنجاکه شتر دوساله، قدرت سواری دادن نداشته و نمی‌توان از پشت آن برای سواری بهره گرفت و از طرف دیگر، چون ماده نیست دارای پستان نبوده و قابل بهره‌برداری از جهت شیر نیز نیست. بنابراین، در این سن و سال، انتظار هیچ سودی از آن نمی‌رود. امر حضرت در این بیان، به انزواطلبی و غافل ماندن از حوادث نیست بلکه مقصود، هوشمندی در برابر فتنه و پرهیز از کمک به فتنه‌گران است. در حقیقت، ایشان به تمسک به حق و اهل آن در تمام ماجراها امر نموده‌اند، نه آنکه مسلمانان را به گوشه‌گیری و سستی فراخوانند (رستمی، ۱۳۷۸، ص ۷).

۳-۲-۶- گفتار: غفلت و حماقت

خطبه ۶: «وَاللّٰهُ لَا اَكُوْنَ كَالضَّبْعِ تَنَامُ عَلٰى طُوْلِ اللَّدْمِ، حَتّٰى يَصِلَ اِلَيْهَا طَالِبُهَا» (سید رضی، ۱۳۹۲، ص ۵۳). «به خدا چون گفتار نباشم که به آهنگ، خوابش کنند و شکارش کنند» (شهیدی، ۱۳۸۹، ص ۱۳). «گفتار در اغفال شدن ضرب‌المثل است. این حیوان با سر و صداهایی که شکارچیان به وجود می‌آوردند، سر در لانه فرو برده از خطرات پیرامون خود غافل شده، به خواب رفته و شکار می‌گردد؛ زیرا اعتقاد قدما بر آن بوده است که گفتار، از آواز خوش لذت می‌برد. سپس کنایه و ضرب‌المثل برای انسان بی‌اطلاع گردید» (دشتی، ۱۳۸۶، ص ۳۵).

۳-۲-۷- سایر تصاویر کنایی

خطبه ۳: «اگر حضور فراوان بیعت‌کنندگان نبود ... مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رهایش می‌ساختم» (دشتی، ۱۳۸۸، ص ۳۱). در این عبارت علاوه بر آنکه خلافت به ناقه‌ای تشبیه شده، لیکن یکی از لوازم ناقه که حبل و ریسمان است، به جای آن به کار گرفته شده است و این عبارت، کنایه از رها نمودن دنیا و بی‌توجهی امام (ع) به امور دنیوی نیز هست.

خطبه ۱۸۲: «در آن هنگام که اسلام غروب می‌کند و چونان شتری در راه مانده دم خود را به حرکت درآورده، گردن به زمین می‌چسباند، او پنهان خواهد شد، او باقی‌مانده حجّت‌های الهی و آخرین جانشین، از جانشینان پیامبران است» (همان، ص ۲۴۹) این عبارت علاوه بر داشتن تصویر استعاری، کنایه از به سرآمدن و به پایان رسیدن حضور دین اسلام بر روی زمین و نزدیک شدن ظهور امام زمان (عج) است.

حکمت ۲۲: حضرت پیرامون بازپس‌گیری حق خود در خلافت فرمود: «ما را حقی است، اگر به ما داده شود، و گرنه بر پشت شتران سوار شویم و برای گرفتن آن برانیم، هرچند راه رفتن ما در شب به طول بیانجامد» (همان، ص ۴۴۷). با توجه به بیانات سید رضی و ابن منظور می‌توان این عبارت را کنایه از عزم و اراده اهل بیت (ع) در جهت بازستاندن حق مشروع خود دانست. سید رضی درباره این جمله نوشته است این عبارت از کلمات لطیف و فصیح است و معنای آن چنین است که اگر حق ما را ندادند، ما خوار خواهیم بود، چنان‌که بنده و اسیر و مانند آن را بر ترک شتر می‌نشانند. ابن منظور، ازهری و ابن اثیر، مقصود آن را چنین دانسته‌اند: «اگر کسی حق ما را گرفت، ما دست بر نمی‌داریم و اگر او بر پشت شتر نشست، ما نیز بر ترک آن سوار می‌شویم و در پی او می‌رویم تا حق خود را بگیریم؛ هرچند زمان درازی طول کشد» (رستمی، ۱۳۷۸، ص ۱۰).

حکمت ۸۲: «شما را به پنج چیز سفارش می‌کنم که برای رسیدن به آن سزاوار است به زیر بغل شتران بنزید...» (دشتی، ۱۳۸۸، ص ۴۵۷). ضربه زدن به شتران، کنایه از آمادگی برای سفر و شدت اراده و تصمیم در انجام دادن کاری است.

حکمت ۴۰۲: شخصی در حضور امام (ع) سخنی بزرگ‌تر از شأن خود گفت و حضرت فرمود: «لَقَدْ طَرَّتْ شَكِيرًا وَ هَدَرَتْ سَقْبًا» «پر درنیاورده پرواز کردی و در خردسالی، آواز بزرگان سر دادی. شکیر نخستین پرهایی است که بر بال پرنده می‌روید و نرم و لطیف است و سقب، شتر خردسال است. زیرا شتر تا بالغ نشود، بانگ نیاورد» (همان، ص ۵۱۹). پر درنیاورده پرواز کردی، کنایه از ادعای بزرگی و بلندپروازی، بدون فراهم بودن شرایط است.

نتیجه‌گیری

۱) در نهج‌البلاغه از ۳۳ حیوان مختلف نام برده شده که اعم از وحشی و اهلی و از گونه‌های پرندگان، خزندگان، حشرات و آبزیان هستند. ذکر این حیوانات در نهج‌البلاغه، کاربرد و کارکردی حقیقی و یا هنری دارد.

۲) از کاربردهای حقیقی حیوانات در نهج‌البلاغه، می‌توان به این موارد اشاره کرد: توضیح خلقت و اوصاف آن، مأموریت الهی حیوانات، حقوق و احکام جانوران و مسئولیت انسان در قبال آن، تبیین معاد و علم الهی.

۳) کارکردهای هنری ذکر حیوانات در نهج‌البلاغه به معنای استفاده از ویژگی‌های این مخلوقات به منظور آفرینش تصاویر مبتنی بر تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه است.

۴) امیرالمؤمنین (ع) برای تثبیت مفاهیم معنوی، گناه را به مرکبی چموش، تقوا را به مرکبی راهوار، دنیا را به ماری فریبنده، صبر را به مرکب نجات و ... تشبیه نموده و این‌گونه توانسته‌اند بر این امور، لباس محسوسات بپوشانند و در تابلویی بدیع، دیدگان مخاطبان را مجذوب آن کنند.

۵) خلق تصاویر استعاری از حیوانات در نهج‌البلاغه، بیشتر برای مفاهیمی چون دنیا، خلافت و فتنه بوده است. همچنین گاه معنایی کنایی از حیوانات مشاهده می‌شود و در پاره‌ای موارد، معنایی مجازی دارند که باعث حرکت و پویایی بیش از پیش تصاویر و انتقال معانی گشته است.

منابع و مأخذ

۱. نهج البلاغه؛ بر اساس نسخه صبحی صالح، قم: مرکز البحوث الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
۲. آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی؛ ج ۳، تهران: انتشارات نی، ۱۳۸۲ ش.
۳. ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه؛ مجلد الثامن، بی جا، بی نا، بی تا.
۴. تفتازانی، مسعود بن عمر؛ مختصر المعانی؛ قم: انتشارات مصطفوی، بی تا.
۵. حسینی، اسماعیل؛ «تصویرگری در نهج البلاغه»؛ مجموعه مقالات اولین همایش ملی نهج البلاغه و علوم انسانی به کوشش: فریبا رشیدی، همدان: دانشگاه بوعلی سینا، ۱۳۹۰ ش.
۶. حوفی، احمد محمد؛ بلاغه امام علی (ع)؛ ج ۲، قاهره: الشركة نهضة مصر للطباعة، ۲۰۰۵ م.
۷. دشتی، محمد؛ ترجمه نهج البلاغه؛ قم: انتشارات بقیة الله، ۱۳۸۸ ش.
۸. رستمی، محمدحسن؛ «یادکرد حیوانات در نهج البلاغه»؛ مجله فرهنگ جهاد، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۷۸ ش.
۹. رضایی، غلامعباس؛ «کنایه و اسباب بلاغت آن»؛ مجله ادبیات دانشگاه تهران، شماره ۱۵۰، تابستان ۱۳۷۸ ش.
۱۰. سید قطب؛ التصوير التفسیری فی القرآن؛ ج ۱۶، قاهره: دارالشروق، ۲۰۰۲ م.
۱۱. شفیع کدکنی، محمدرضا؛ صور خیال در شعر فارسی؛ ج ۹، تهران: آگاه، ۱۳۸۳ ش.
۱۲. شهیدی، سید جعفر؛ ترجمه نهج البلاغه؛ ج ۳۰، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹ ش.
۱۳. صالح، صبحی؛ نهج البلاغه؛ قاهره: دارالکتاب المصری، ۲۰۰۴ م.
۱۴. قائمی، مرتضی؛ سیری در زیبایی های نهج البلاغه؛ قم: ذوی القربی، ۱۳۸۸ ش.
۱۵. قدامة بن جعفر؛ نقد الشعر؛ مکتبه الکترونیة المصطفی، بی تا.
۱۶. قیروانی، ابن رشیق؛ العمدة فی محاسن الشعر و آدابه؛ مصر: مکتبه الکترونیة المصطفی، بی تا.
۱۷. معلوف، لويس؛ المنجد فی اللغة؛ ج ۳۵، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۸۰ ش.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر؛ پیام امام امیرالمؤمنین (ع)؛ ج ۲، تهران: دارالکتب العلمیه، ۱۳۸۵ ش.
۱۹. هاشمی، سید احمد؛ «جواهر البلاغه فی المعانی و البیان و البديع»؛ بیروت: المکتبه العصرية، ۱۹۹۹ م.